

# فرّ جوانی گرفت طفل رضیع بهار

حسن عاطفی

دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

اصل از نعیم اصفهانی نیست، و انتساب آن هم به ادیب بیضایی با روایت مرحوم ذکایی درست نیست؛ زیرا که ذکایی خواسته برادرش، ادیب را از معتقدان فرقه‌ی بهایی معرفی کند و این بهاریه خود دلیلی برای این کار خواهد بود. ناگفته نماند که ذکایی در تالیف خویش (تذکره‌ی شعرای قرن اول بهایی)، ادیب بیضایی را از شعرای این گروه به حساب آورده است. هرچند که به ادیب بیضایی به‌خاطر برخی از بستگانش نسبت‌هایی داده‌اند، او خود از این مسائل عقیدتی برکنار بود، و فرزندش مرحوم پرتو بیضایی از این که پدرش در این تذکره معرفی شده است، از عموی خود، ذکایی آزاده و رنجیده‌خاطر بود. آرامگاه ادیب در قبرستان قدمگاه کاشان، بقعه‌ی داشت که با احداث خیابان مانند دیگر قبور بزرگان این شهر از میان رفت. به‌طور کلی روش ذکایی در تالیف «تذکره‌ی شعرای بهایی» بر این قرار گرفته است که برای انبوه‌نمایی هر کس را به گونه‌ی از احباب بداند، در حالی که گاه این حتا با صد من سریش به ریش صاحب ترجمه نمی‌چسبد. کسانی چون:

۱- شوریده‌ی شیرازی (= میرزا محمدتقی فصیح‌الملک ۱۲۷۴-۱۳۴۵ ه.ق) که شادروان احمد گلچین معانی در تاریخ تذکره‌ها، ص ۲۹۱، به هنگام معرفی تذکره‌ی ذکایی، در مقابل نام شوریده، با خطی سیاه و درشت چنین نوشته: «ذکر حاج فصیح‌الملک در این کتاب دور از صواب است».

۲- خاوری کاشانی (سیداحمد لسان‌الاسلام، واعظ، متوفی ۱۳۳۳ ه.ق)، در تذکره‌ی شعرای قرن اول بهایی، صص ۳۱۵-۳۲۳ (به نقل از تاریخ تذکره‌ی فارسی، احمد گلچین معانی، ص ۲۸۹) آمده و حال آن که خاوری کاشانی ملقب به فخرالواعظین و لسان‌الاسلام فرزند سیدهاشم واعظ از نوادگان دختری حاج میرزا معصوم خاوری کوزه‌کنانی است. سیداحمد واعظ (اهل منبر) و شاعر و آزادی‌خواه بود و از آثار او: مثنوی محمود در مضرت تریاک و منظومه‌ی زشت و زیبا و دیوان اشعار. وی پس از مرگ در بقعه‌ی هارون بن موسی بن جعفر (زیارت پنجه‌شاه) که یکی از اماکن مذهبی و زیارتی شهر کاشان است، به خاک سپرده شد.

۳- جهان کاشانی (= آقا مهدی معروف به مرشد نساج - متوفی: ۱۳۱۵ شمسی)، ج: ۱، صص ۲۴۰ - ۲۵۳، تذکره‌ی شعرای قرن اول... حال آن که مرشد نساج شاعری طنزپرداز است که قسمت عمده‌ی سخنش طنزهای سیاسی و اجتماعی است و آن‌ها را به شیوه‌ی سیداشرف‌الدین حسینی قزوینی (نسیم شمال) سروده است. در مجموعه‌ی اشعارش غزل عاشقانه هم دیده می‌شود، و قصیده‌ی مدح و منقبت امیرمومنان علی علیه‌السلام دارد. از ویژگی‌های

## یادداشت سردبیر

سردبیر در حافظ شماره‌ی ۱۳، روایتی شفاهی از قول آقای سیدمهدی صدری کاشانی را در باب گوینده‌ی بهاریه‌ی «فرّ جوانی گرفت طفل رضیع بهار» نقل کرده بود. پس از آن نامه‌هایی در ردّ و تایید قول آقای مهدی صدری رسید. ما از آن میان، تنها توضیح جامع آقای محمدعلی اختری را در ردّ اظهارنظر خودمان (به استناد گفته‌ی آقای صدری) چاپ کردیم و با اطمینان از صحت قول آقای اختری، مسمط بهاریه‌ی مذکور را در کتاب «ادبیات معاصر ایران» از انتشارات دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، بدون دغدغه به نام نعیم سده‌ی به چاپ رساندیم. اکنون، نویسنده‌ی دیگر در اثبات عدم انتساب آن بهاریه به نعیم دلیلی دیگر ارائه داده است. نویسنده‌ی مقاله‌ی حاضر، با استناد به روایت‌های شفاهی محلی قابل اعتماد، شاعر دیگری به نام میرسیدحسین منزوی کاشانی را گوینده‌ی بندهای اول این بهاریه معرفی می‌کند. ما که در این زمینه‌ها، جویای حقیقت ایم، این مقاله را که چندین ماه در نوبت چاپ مانده است، در این شماره چاپ می‌کنیم.



□ در شماره‌ی ۱۳ ماهنامه‌ی حافظ (فروردین ۱۳۸۴، صفحات ۱۴-۱۷) در مقاله‌ی «بهاریه‌های فارسی - مسمط نعیم اصفهانی» به قلم پروفیسور سیدحسین امین، پس از بحثی مفید و مبسوط درباره‌ی توجه شاعران بعد از دوره‌ی بازگشت به قصیده و شیوع قالب مسمط پیش از دوره‌ی مشروطیت و پس از آن، و ذکری از بهترین بهاریه یعنی مسمط قآنی چنین آمده است که «بهاریه‌ی بسیار خوب دیگری که متعلق به این دوره است، از نعیم سده‌ی اصفهانی، شاعر معروف بهایی است. مطلع بهاریه چنین است:

فرّ جوانی گرفت طفل رضیع بهار

لب ز لبین شست باز شکوفه‌ی شیرخوار» سخن جناب پروفیسور امین درباره‌ی بهاریه‌ی نعیم و گوینده‌ی آن، به نقل از آقای مهدی صدری بدین گونه است:

«من به مشافهه از آقای مهدی صدری شنیدم و او از مرحوم ذکایی بیضایی شنیده بود که بهاریه‌ی معروف منسوب به نعیم اصفهانی، سروده‌ی ادیب بیضایی بزرگ بوده، و نعیم آن را از ادیب گرفته و بازنویسی کرده و بهائیان آن را به نام او چاپ کرده‌اند».

سخن آقای صدری بدان گونه صحیح خواهد بود که این بهاریه در

کلامش توجه خاص وی به امام منتظر، صاحب الزمان (عج) می‌باشد. مرشد از آن‌جا که در انتقادات خود بی‌پروا بود، عامه‌ی مردم با دیدی مخالف به او نگریسته و بدین ترتیب او را به لایبالی‌گری و بی‌بند و باری در عقاید متهم کرده‌اند؛ و ذکائی بیضائی هم از این موضوع بهره برده و جهان کاشانی را از شعرای قرن اول بهایی به حساب آورده است. بیت زیر سجع مهر مرشد نساج است که ارادت خود را به مقام نبوت بدین‌وسیله نشان می‌دهد:

مدآخ رسول دوسرا، عارج معراج

مرشد به لقبه نام نکو مهدی نساج

**۴- حیرت طهرانی** (= ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار، متوفی ۱۳۳۳ ه.ق.)، تذکره‌ی شعرای قرن اول بهایی، ج ۲، صص ۳۱۵-۳۲۳، به نقل از تاریخ تذکره‌های فارسی - گلچین معانی، ج ۱، صص ۲۸۷-۲۹۱ و...

### میرسیدحسین منزوی، گوینده‌ی بهاریه

تا آن‌جا که آگاهان و دست‌اندرکاران صاحب‌نظر محافل ادبی کاشان نقل کرده‌اند، بخش نخست این مسمط بهاریه‌ی مورد بحث، ساخته و پرداخته‌ی شاعر خوش‌ذوق کاشانی، میرسیدحسین منزوی است، ولی بخش تکمیلی، پایانی و ذکر محامد از نعیم اصفهانی است که بر پیکره‌ی نخستین افزوده. دوگانگی سبک سخن در ابتدا و انتهای مسمط شاهدی بر این گفتار است.

میرسیدحسین از سادات منزوی کاشان است که جدّ اعلا‌ی این خاندان از مردم خراسان بود و در روزگار نادر مقیم کاشان شد. عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل) در بخش معرفی خاندان‌های بزرگ کاشان در تاریخ خود، از افراد این خاندان نام می‌برد و در آغاز سخن می‌گوید: «سلسله‌ی علیه سادات منزوی - یکی دیگر از طبقات طوایف فضلا و علمای کاشان سلسله‌ی سادات منزوی می‌باشند که وطن و مسقط‌الراس آن‌ها خراسان است و در زمان نادرشاه افشار، کاشان را مسکن خود نموده‌اند و در آن سلسله اصل و منشا همه را مرحوم آقا میرمظفر حسینی رحمه‌الله قرار داده، از او یک شجره برآورده، مرحوم آقا میرمحمدعلی، و او از جمله‌ی اکابر و اعیان و در صنف فضلا و علما انتظام داشته...»

خلاصه، میرسیدحسین منزوی (متوفی، ۱۳۳۶ ه.ق) فرزند میرعبدالوهاب از این دودمان، از شعرای توانا و خوش‌ذوق اواخر عصر قاجاریه در کاشان است که با کسانی چون: ادیب بیضایی (متوفی ۱۳۱۲ شمسی) و میرزا حسن نصری (متوفی ۱۳۱۴ شمسی) دوستی و معاشرت داشت و ادیب بیضایی، ماده‌ی تاریخی در فوت وی سروده. از جمله افرادی چون میرزا غلامحسین شکوهی (متوفی ۱۳۵۷ ه.ق.) محمد هاشم تراب (متوفی: ۱۳۳۸ شمسی) و استاد حسین‌علی منشی (تولد: ۱۲۵۶، وفات: ۱۳۴۹ شمسی) از او بهره‌ها برده‌اند و راز و رمز سخن را آموخته‌اند. آرامگاه منزوی مجاور بقعه‌ی مولانا فیض کاشانی است.

### روایت حسین علی منشی کاشانی

شادروان استاد حسین‌علی منشی [پدر مرحوم استاد محمود منشی که قصیده‌ی «تخت جمشید» او در همین شماره‌ی حافظ چاپ شده است] حافظه‌ی قوی داشت و خاطرات جالبی از محافل ادبی کاشان در اواخر عهد قاجار و دوران رضاشاه پهلوی نقل می‌کرد و خود

سال‌های متمادی تا قبل از عزیمت به تهران که چند سال اواخر عمر او را شامل می‌شد، ریاست انجمن ادبی صبا کاشان را به‌عهده داشت و در جلسات انجمن به مناسبت‌هایی از گذشته سخن به میان می‌آورد. از جمله درباره‌ی بهاریه‌ی: «فَرّ جوانی گرفت طفل رضیع بهار...» چنین می‌گفت که «نعیم اصفهانی در یکی از سفرهایش به کاشان به دیدن میرسیدحسین منزوی می‌رود، و منزوی که این مسمط را تازه سروده و تکمیل نکرده، برای او می‌خواند. نعیم از این شعر خوشش می‌آید. از منزوی می‌خواهد که این اثر را به او بدهد، میزبان هم به رسم میهمان‌نوازی، شعر خود را به او هدیه می‌کند، و بعد نعیم چنان که خود می‌خواهد به تکمیل آن می‌پردازد و در دیوان خود ثبت می‌کند. پس از منشی نیز این مطلب را از مرحوم مصطفی فیضی، دوست چهل‌ساله‌ام که خدایش رحمت کند و ربیب انجمن صبا بعد از منشی بود، می‌شنیدم که از قول منشی برای شاعران جوانی که از گذشته‌ی ادبی کاشان و شعرای پیشینی این دیار مطالبی می‌پرسیدند، می‌گفت و از جمله درباره‌ی این مسمط بر این تاکید داشت که از سیدحسین منزوی است. اکنون نیز شاعران معمر، آگاه و صاحب‌نظر در شعر کاشان که حدود پنجاه سال با منشی مصاحبت داشته‌اند (از جمله آقای علی شریف ربیب انجمن ادبی صبا و آقای حاج عباس حداد کاشانی و آقای احمد مشجری «محبوب») بر این سخن شاهدی عدل‌اند. هم‌چنین استادان ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی کاشان، آقایان دکتر سعید خیرخواه و دکتر عبدالرضا مدرس زاده با آگاهی از این مطلب و تایید این نظر بر آن بودند که برای رفع ابهام، این مختصر نوشته و به ماهنامه‌ی حافظ ارسال شود.

### روایت دیگر

آقای احمد قنادزاده که افزون از چهل سال است که در جلسات انجمن ادبی صبا شرکت می‌کند و خود تذکره‌ی درباره‌ی شعرای کاشان تالیف کرده، می‌گوید که من از مرحوم محمد پرستش (تولد: ۱۲۹۳، وفات ۱۳۸۳ ه.ش) شنیدم که او می‌گفت: شادروان حسین پرتو بیضایی (فرزند ادیب بیضایی) نقل می‌کرد که این مسمط از میرسیدحسین منزوی است که به نعیم اصفهانی هدیه کرده است.

باید گفت که پرستش بالغ بر نود سال زیست و بیش از هفتاد سال عمر خود را در کار شعر و شاعری سپری کرد و با بیش‌تر شعرای گذشته‌ی کاشان معاشرت داشت و اطلاعاتی از محافل ادبی عهد پهلوی در اختیار سوال‌کننده می‌گذاشت.

مختصر کلام این که بخش نخست این مسمط تا آن‌جا که به نام ممدوح مصدر نشده از آن میرسیدحسین منزوی و ادامه‌ی آن، اثر طبع نعیم اصفهانی است که بر بخش نخستین افزوده و سخن کسانی که بر این عقیده‌اند که این بهاریه از آغاز تا انجام از نعیم اصفهانی است و یا آن را از ادیب بیضایی پنداشته‌اند، صحیح نیست.

بنابراین، تصور تخلص «ادیب» به‌جای «نعیم» در بیت تخلص: «نعیم وصف حبیب برای احباب گفت» اگرچه «ادیب» طبیعی‌تر به نظر می‌رسد، منتفی است و باتوجه به دیوان بیضایی، هیچ‌جا دیده نشد که از این تخلص استفاده شده باشد. بلکه [همان‌طور که آقای محمدعلی اختری هم در مجله‌ی حافظ نوشته‌اند] همه‌جا در غزلیات و دیگر موارد «بیضایی» آمده است. ■